



مهدی علوی شوشتری دانشجوی مبارزی که جاودانه شد.

رفیق مهدی در اردیبهشت ۳۳ در یک خانواده مرفه در اهواز زندگی می‌کرد، ولی در یک جا سعه عقب مانده که تحت استعمار شدید امپریالیست‌ها قرار دارد، دارای حکومت فاشیستی و البته هست با مردمی تحت ستم و فخر شدید. قهر جوان دانش آموز و دانشجو و آن‌ها نکه قلبشان بخاطر وطن و آزادی می‌تپد از این وضعیت تا شهر می‌گیرند و بمبارزه برمی‌خیزند چنان‌که در طول سال‌ها در از اختناق محمد رضا شاه می‌دیدیم پشروان مبارزه از اینان بودند. مهدی تحت تأثیر چنین جوی بمبارزه برخاست از کتابهای سید و تبلیغ آن‌ها بین دانش آموزان آغاز کرد. کلاس هفتم بود که به تهران رفت در این سال او را با یک دستگاه تکثیر دست‌گیر کردند. در این زمان در رابطه با گروه "آرمان خلق" بود. هفت ماه در زندان گذراند. بعد از آزادی از زندان به اهواز برگشت برای اینکه بتواند با زحماتش تمام بیشتر دانشمندان در یک کارگاه جوشکاری شروع به کار کرد و یکبار در هنگام پخش اعلامیه دست نویس همراه با دو نفر دیگر بوسیله ساواک تعقیب می‌شود ولی فقط مهدی دستگیر می‌شود. چهل روز شکنجه‌های وحشیانه ساواک را تحمل کرد و نام دو نفر دیگر را بر زبان نیاوردند. بار دیگر از زندان آزاد شد.

زندگی که همراه با مبارزه برای آزادی نباشد یعنی نیستی، یعنی مرگ. برای زیستن مبارزه را باید ادامه داد و مهدی چنین کرد. کلاس ششم دبیرستان بار دیگر بدستگیرش کردند. به سال حبس در زندان شاه محکوم شد. بعد از آزادی با آمریکا رفت زمان جوش و خروش مردم میهنمان برای آزادی و استقلال به ایران بازگشت و در رابطه با دفتر دانشجویان مبارز بکار پرداخت بعد با دانشجویان اهواز در زمان بیکار بمبارزه ادامه داد. عشق به توده‌ها، عشق به آزادی و عشق به راهی زحمتکشان او را هر روز بمبارزه و فداکاری بیشتری می‌کند. دشمنی مرتجعین و نوکران امپریالیست با او هم از همینجا بود. دشمنان خلق نمی‌توانند خدمتگزاران خلق را آزاد ببینند. توده زحمت فقط با آگاهی که از روشنفکران انقلابی می‌گیرد و در ارتباط توده زحمت با روشنفکران انقلابی زحمتکشان آگاهی می‌گیرند و شکل می‌یابند و دشمنان انقلاب بهر طریق سیخوهند جلوا بین پیوند ما می‌آب را بگیرند با چند صبا حی دیگر خود زنده بمانند و در خدمت اربابان خود به چپاول ادامه دهند. با این جهت کشتن انقلابیون آخرین وسیله آنهاست. چقدر بزدلانانه با اینکارها می‌پزدانند. رفیق مهدی را هم در جرمان دانشگاه دستگیر کرده بودند و همراه با دکتر نری می‌آعاداش کردند به "جرم خدمتگزاران خلق" "جرم مبارزه بر علیه ستم و استعمار در برابر ما" در جمعه ۵۹/۴/۶ اعدام شد.

ایستاده بمرد و جاودانه شد. خلق هرگز از یادش فراموشش.

* * *

بعد از جریان دستگیریهای دانشگاه (اهواز) نامش در حسینیه عظیم بدیوار چسبانده بودند و از مردم خواسته بودند که اطلاعات خود را جمع به آنها به "دانشگاه انقلاب" بدهند تا شهدای نیاالی، مؤذن و مهدی علوی

جزء این شش نفر بود. کما به با شیم چه با شستن دیگر را هم اعدا مکنند، این عمل نشان آنست که این رفقا از قبل حکما اعدا نشان ما در شده بود.

صفوف خود را متشکل کنیم و دشمنان انقلاب را نابود کنیم.
درود بر شهیدای به خون خفتند و خفتند
چنانچه با دشمنان طره رفیق شهید مهدی علیوی

اتحادیه کمونیستهای ایران - اهواز

۵۹/۴/۱۱

متن زیر نامه است که رفیق شهید مهدی علوی در تاریخ ۵۹/۲/۱۳ از پنجره زندان به بیرون انداخته بود
مهدی در این نامه که خطاب به والدینش می باشد، در حقیقت وصیت نامه خود را نوشته است. مهدی دلیرنا و جسور
اینکه می دید که دشمنان پلنگش در اعدا اعدا ما می باشند، ولی دلاورانه می گوید: "اجتناباً لا مرا
اعدا می کنند. در اینصورت ازتان می خواهم که برای مردم هدفها و راهها را توضیح دهید و به آنها بگویند که تا آن
به راه هم وفا دارانند و ما لاهم برای خود هیچ گناهی نمی بینیم جز اینکه طرفداران و زحمتمندان هستیم."
و این نشانگر عشق و ای ای او به زحمتمندان و راهی بود که انتخاب کرده بود.

سلام برکم ، عزیزان ما دوست دارم . افسوس که
به این وضعی که هستیم (فلا محسن صلی)
اعدا می کنند . در اینصورت نشان
می فراموش که برای مردم هدفها و راهها را
توضیح دهیم و به آنها بگویند که تا آن
به راه هم وفا دارانند . چون هدفها را
را هم درست بوده و حالا هم برای خودم
هیچ گناهی نمی بینیم جز اینکه طرفداران
زحمتمندان هستیم . امید دارم که این
فرزندان عزیزان ما
۵۹/۲/۱۳

است ۱۴ اردیبهشت ۵۹ دست رسیده و این روزها
مقتول شده است . کتبی که این نامه را پیدا کردند
نشان می دهد که آنرا به آدرس اهواز - خیابان
سپهر - پلاک ۳ طب دکتر کلوی برده
شماره مهدی علوی
آرش جان و جانان عزیزانم در محضر
عینات بسیار بسیارین شما را سلام
با اینکه هیچ قدری برای من نبودم و با حلاصتی
ناراحتانم و سلام و ایامه دارم مرا ببخشید
با محبت و ادب در این دهمه ، لاله دهنی عالم
و بیلی و نوبت و فرخ درضا و صبی را از دور